

## مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی

فاطمه گلابی، استادیار، گروه علوم/اجتماعی دانشگاه تبریز\*

نازیلا اخشی، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

### چکیده

در این پژوهش به بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی پرداخته می‌شود. روش پژوهش از نوع پیمایش و جامعه آماری آن کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل در سال تحصیلی 91-92 هستند که تعداد آنها برابر با 10223 نفر است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و 370 نفر دانشجوی به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بوده که در مورد متغیر نشاط اجتماعی با پنج بعد از پرسشنامه استاندارد آکسفورد استفاده شده و پرسشنامه مشارکت اجتماعی با سه بعد از نوع پرسشنامه محقق ساخته بوده است. روایی پرسشنامه از طریق اعتبار صوری و محتوایی و پایایی آن نیز از طریق آلفای کرونباخ به دست آمد. اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که میزان نشاط اجتماعی در حد متوسط به بالا و میزان مشارکت اجتماعی در حد متوسط به پایین است. در ابعاد مشارکت اجتماعی روحیه مشارکتی و در ابعاد نشاط اجتماعی بعد رضایت از خود بیشترین میانگین را در بین دانشجویان به خود اختصاص می‌دهند. میزان نشاط اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن دارای همبستگی مستقیم معنی‌دار بود؛ ولی مشارکت و نشاط اجتماعی بر اساس جنس، وضعیت تأهل دانشجویان معنی‌دار نبودند. دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و پزشکی با نشاط‌تر بوده و دانشجویان فنی در بین دانشجویان مورد مطالعه از کمترین میزان نشاط برخوردار بودند. در نهایت، تحلیل رگرسیون نشان داد که 17 درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی از روی ابعاد سه‌گانه مشارکت اجتماعی قابل تبیین است. همچنین، وجود روحیه مشارکتی بیشترین تأثیر را در میزان نشاط اجتماعی دانشجویان دارا بوده است.

**کلید واژه‌ها:** نشاط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، مشارکت ذهنی، مشارکت عینی، روحیه مشارکتی.

## مقدمه

نشاط اجتماعی از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی به شمار می‌رود و بیش از مداخلات پزشکی و روانی به عوامل اجتماعی و اقتصادی وابسته بوده و در عین حال، یکی از مفاهیم محوری توسعه پایدار است. از سال 2000 به بعد در بحث‌های سازمان ملل برای تعیین سطوح توسعه‌یافتگی کشورها، متغیرهای نشاط، امید به آینده، خشنودی و رضایتمندی افراد جامعه نیز به عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده است؛ به این صورت که اگر مردم یک جامعه احساس نشاط، خشنودی و رضایتمندی نکنند، نمی‌توان آن جامعه را توسعه‌یافته تلقی نمود. این نشان‌دهنده اهمیت نشاط و شادی در جامعه است. متغیرها و عوامل زیادی با میزان نشاط اجتماعی در جامعه مرتبط هستند که از میان آنها، میزان مشارکت اجتماعی متغیر مهم تأثیرگذار بر موفقیت برنامه‌های توسعه، رفاه و بهزیستی جامعه است. این پدیده که به وسیله تراکم شبکه اجتماعی و روابط افراد سنجیده می‌شود، در بسیاری از مطالعات با سلامت و نشاط افراد جامعه مرتبط است (کواچی و همکاران<sup>1</sup>، 2008). توجه به شبکه روابط و مشارکت اجتماعی و نقش آن در نشاط اجتماعی را می‌توان از قرن نوزدهم در کار جامعه‌شناسانی چون دورکیم دید. وی نشان داد که نرخ‌های خودکشی در جمعیت‌های دارای سطح پایین مشارکت و انسجام اجتماعی، بیشتر و در اجتماعات منسجم، کمتر است (هالپرن<sup>2</sup>، 2005).

نشاط در فرایند رابطه فرد با جامعه و گروه تحقق پیدا می‌کند؛ در غیر این صورت، از منظر ناظر بیرونی، نشاط چیزی جز مجموعه‌ای از کیفیات روحی و هیجان‌های طرب‌انگیز فردی نخواهد بود. اگر این کیفیات فرح بخش، واجد معانی اجتماعی و اهداف جمعی نباشند، تعریفی جز برخی حالات نابهنجار روحی جنون‌آمیز نخواهند داشت. بنابراین، نشاط اجتماعی همان سطح برخورداری از مواهب

زندگی عمومی همراه با اقتناع ذهنی و اجماع عینی است؛ یعنی باید تعریف فردی و بیرونی از نشاط با هم مقارن باشند (عنبری، 1391: 35).

عنبری معتقد است: «نشاط از منظر اجتماعی، عضوی از خانواده و چارچوب مفهومی کیفیت زندگی، رضامندی اجتماعی، امنیت اجتماعی، سلامت اجتماعی، رفتارهای جمعی و فراغت است. این مفاهیم به نوعی متناظر با نشاط شادمانی هستند (عنبری، 1391: 40). با این توصیف، وی نشاط اجتماعی را سطحی از رضامندی اجتماعی توأم با رفتارهای شادمانانه و احساس خوشبختی می‌داند و تمامی این مؤلفه‌ها تعریف جمعی دارند. در این راستا، به تعریف شادزیستی اشاره می‌شود که مفهومی اجتماعی است و در مقایسه افراد با همدیگر خود را نشان می‌دهد.

نشاط اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین شاخص‌های اجتماعی در گسترش احساس رضایت عمومی از زندگی، بسط تعاملات اجتماعی سازنده، رشد اعتماد عمومی و مشارکت همه جانبه اجتماعی به شمار رفته و چندین دهه است که به عنوان موضوعی بین رشته‌ای در تحقیقات اجتماعی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. وضعیت عمومی نشاط اجتماعی در ایران امروز به استناد شواهد و آمارها چندان رضایت بخش نیست. در همین راستا و به واسطه اهمیت موضوع و تأثیر این مسأله در موفقیت برنامه‌های کلان توسعه پایدار، بند ب ماده 97 برنامه چهارم توسعه صراحتاً دولت را مکلف کرده است تا به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی نسبت به تهیه طرح جامعی برای بسط و گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی اقدام نماید (مرکز افکارسنجی سلامت ایران، 1390: 11).

آنچه مسلم می‌نماید، این است که اگر جامعه‌ای می‌خواهد توسعه و پیشرفت کند و به آرمان‌های انسانی خود برسد، لازمه آن داشتن شهروندانی با نشاط و شاداب است و زمانی می‌توان به کمال نشاط اجتماعی رسید که تمامی آحاد مردم با نشاط و

<sup>1</sup> kawachi<sup>2</sup> Halpern

سال‌های 1995 تا 2005 نشان می‌دهد که ایران با نمره 51 از 100 جزو کشورهای متوسط از لحاظ شادی و در ردیف ممالکی چون فیلیپین، هند، لهستان و کرده جنوبی قرار دارد (موسوی، 1385: 4). در این راستا، نتایج بررسی‌های انجام شده در داخل کشور توسط جعفری و همکاران (1383) که روی 6089 تن از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و با استفاده از تست آکسفورد انجام گرفته، نشان داده است که در مقیاس صفر تا 87 میانگین نشاط در بین دانشجویان 45/82 بوده است. پژوهش دیگر که توسط ظهور و فکری (1383) بر روی 303 تن از دانشجویان در شهر تهران انجام شده، نشان‌دهنده میانگین نشاط برابر با 42 بوده است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که نشاط و شادمانی در بین جوانان چندان مطلوب نبوده و به خاطر برخی فشارهای روانی و اجتماعی تحت آسیب‌ها قرار گرفته، دچار افسردگی هستند (به نقل از علیزاده اقدم، 1390)

جوانان به عنوان سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای هستند. در این میان، دانشجویان به لحاظ برخورداری از توان و انرژی فراوان، قادرند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر آینده جامعه داشته باشند؛ زیرا در هر جامعه پویاترین گروه‌های آن را قشر دانشجویان تشکیل می‌دهند و شادابی این قشر تا حد زیادی لازمه سلامت و شادی بسیاری از آحاد جامعه است. عنصر مهم در این جریان کسب شناخت عوامل مرتبط با این موضوع است و این امر، بر ضرورت بررسی نشاط اجتماعی صحنه می‌گذارد. با بررسی آحاد جامعه از ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی، می‌توان به میزان نشاط اجتماعی پی برد؛ زیرا نشاط اجتماعی به نوعی، کارایی فردی است و به سرمایه‌گذاری افراد در روابط اجتماعی و در اختیار گرفتن منابع موجود در این روابط در سطح جامعه و کسب بازده کمک می‌کند. مشارکت اجتماعی از عوامل مرتبط با نشاط دانشجویان است که می‌تواند سهم عمده‌ای در افزایش یا کاهش آن در جامعه داشته باشد.

امروزه ضرورت و اهمیت مشارکت واقعی دانشجویان در

شاداب باشند. با جامعه شاداب و با نشاط می‌توان به اهداف مهم در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... دست یافت و تصمیم‌گیران جامعه همواره می‌توانند از آن به عنوان یک فرصت بهینه استفاده نمایند. عوامل و متغیرهای زیادی بر نشاط اجتماعی تأثیرگذارند که یکی از این عوامل، مشارکت اجتماعی افراد و بالاخص دانشجویان در امور جامعه است (موسوی، 1385: 68).

لیوبومیرسکی<sup>1</sup> و همکاران (2005) در تحقیق خود بر روی نشاط به این نتیجه رسیده‌اند که شادی و نشاط از سه جزء تشکیل شده‌اند: عوامل ژنتیکی (50 درصد سهم)، شرایط محیطی (حدود 10 درصد سهم) و فعالیت‌های آگاهانه (حدود 40 درصد). بر این اساس، عوامل اصلی که روی سطح دائمی شادی تأثیر خواهند داشت، عبارتند از: نقطه ثابت، شرایط زندگی و فعالیت‌های آگاهانه (با نیت قبلی). منظور از نقطه ثابت، سهم معین و ثابتی از شادی است که از والدین به ارث می‌رسد و موروثی است (مونتیئر<sup>2</sup>، 2004: 3). جزء دوم شرایطی است که فرد در آن زندگی کرده و محیط جغرافیایی و فرهنگی منطقه را شامل می‌شود (لیوبومیرسکی و همکاران، 2005: 134-135). جزء سوم، دسته وسیعی از فعالیت‌هایی است که مردم انجام می‌دهند و یا در فکر انجام آن هستند. تفاوت جزء دوم و سوم این است که جزء دوم تقریباً تصادفی و اتفاقی است؛ ولی جزء سوم فعالیت‌های آگاهانه است که در اختیار خود فرد است (همان: 109-112).

این بعد به سه حوزه فعالیت‌های رفتاری، شناختی و داوطلبانه تقسیم می‌گردد (مونتیئر، 2004: 5). این فعالیت‌ها از سوی افراد جامعه هدفدار بوده، در تلاش برای رسیدن به اهداف فردی و حتی جمعی صورت می‌گیرد و می‌تواند سطح فعال‌گرایی و هیجان و نشاط را در سطح وسیع‌تر در جامعه بالا ببرد.

آمارهای پایگاه داده‌های شادمانی در جهان در بین

<sup>1</sup> Lyubomirsky

<sup>2</sup> Montier

نماید و همچنین، رابطه این دو مفهوم را با همدیگر مورد بحث و بررسی قرار دهد.

### ادبیات نظری

نشاط یکی از خلقیات اساسی در زندگی فرد است و نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و اجتماعی او ایفا می‌کند. نشاط عبارت از چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی است. این نوع داوری متأثر از ادراکات شخصی فرد و تجربه احساسات و عواطف مثبت است که بر سبک تبیین، قضاوت و تصمیم‌گیری او اثر می‌گذارد.

انسان اساساً موجودی اجتماعی است و همواره تمایل دارد با دیگران ارتباط داشته باشد. وقتی افراد در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که بر سرنوشت آنها تأثیر می‌گذارد، مشارکت کنند، از احساس کارآیی و خود اثر بخشی بالایی برخوردار بوده، خود را فردی مفید و دارای آزادی عمل و دارای قدرت انتخاب در جامعه تلقی می‌کنند. همچنین، مشارکت موجب بهره‌گیری از توانمندی دیگران گردیده، همدلی و صمیمیت را افزایش می‌دهد. این امر به نوبه خود، به افزایش سطح شادی و نشاط در جامعه کمک خواهد کرد.

نشاط اجتماعی قبل از هر چیزی بر روابط اجتماعی افراد اثر مثبت می‌گذارد. بنابراین، نشاط اجتماعی در عین اینکه متأثر از میزان بالایی مشارکت در جامعه است، به تعاملات و مشارکت اجتماعی بیشتر نیز منجر شده، زمینه را برای همبستگی و انسجام اجتماعی بالا در جامعه فراهم می‌سازد.

ونهوون<sup>1</sup> (1993) مطرح می‌سازد که شادی، فعالیت فرد را بر می‌انگیزد و روابط اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌نماید. همچنین سبب می‌شود نگرش افراد به محیط پیرامون مثبت‌تر شده، در تعارضات اجتماعی زودتر به توافق برسند (به نقل از عباس‌زاده و همکاران، 1391: 216).

آبراهام مازلو<sup>2</sup>، نیازهای اساسی انسانی را در قالب پنج نیاز عمده دسته‌بندی نموده است. مازلو در سلسله مراتبی که

تمامی سطوح و جوانب مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای دستیابی به یک توسعه پویا و کامل بر هیچ اندیشمندی پوشیده نیست؛ چرا که این مشارکت همه‌جانبه از بی‌تفاوتی، تکروری و عدم حس تعاون و تحرک و تمایل به تأمین منابع محدود و شخصی در میان اعضای جامعه جلوگیری می‌کند، نابرابری‌ها را کاهش می‌دهد، همبستگی و وحدت را تقویت می‌کند و در نهایت، موجب رضایتمندی و نشاط اجتماعی در جامعه می‌گردد. تجهیز دانشجویان به نشاط اجتماعی، باعث ایمنی آنها در برابر مشکلات می‌شود و آنان به راحتی می‌توانند با شرایط متغیر زندگی، انطباق یابند و نقشی مفید در جامعه داشته باشند. بنابراین، افزایش نشاط اجتماعی باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

شاد بودن تنها یکی از شاخصه‌های زندگی مطلوب در جامعه است و هر قدر ملتی بانشاط‌تر باشد، مطمئناً احساس رفاه بیشتری دارد و در این نوع جامعه، افراد نگرشی خوشبینانه نسبت به زندگی و امور پیرامون خود دارند. در واقع، نشاط و شادی یکی از ابعاد روان‌شناختی فرد و جامعه است و فرد و جامعه هنگامی دارای شادی و نشاط خواهند بود که شاخص‌های معیشتی و رفاهی از یک سو و شاخص‌های فرهنگی، علمی و سیاسی آن جامعه از سوی دیگر، از رشد قابل قبولی برخوردار بوده یا دست‌کم در سطح مطلوبی قرار گرفته باشد (ازکیا و غفاری، 1380). شایان یادآوری است که رابطه مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی یک رابطه یکسویه نبوده و نشاط و شادی صرفاً معلول وضعیت فعال در جامعه نیست. این دو متغیر، بی‌تردید بر یکدیگر رابطه کنش و واکنش داشته، بر یکدیگر مؤثرند. جامعه با نشاط، جامعه‌ای است که استعداد‌های افراد آن شکوفا شود و رفاه و امنیت را برای آحاد آن جامعه به ارمغان آورد و افراد آزادانه در فعالیت‌های رسمی و غیررسمی جامعه بدون هیچ گونه اغراضی شرکت داشته باشند. بنابراین، تحقیق حاضر در نظر دارد میزان نشاط اجتماعی و مشارکت اجتماعی را در بین دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اردبیل اندازه‌گیری

<sup>1</sup> Veenhoven

<sup>2</sup> Maslow

می‌خواهد، چه چیزی در گذشته داشته است و اینکه چه چیزی در ارتباط با دیگران دارد، وابسته است (میکالوس<sup>۲</sup>، 1991). هیگینز<sup>۳</sup> بیان کرد که تفاوت‌های موجود بین آنچه شخص از خود در ذهنش دارد، با آنچه در واقعیت هست، به تجربه هیجان‌های منفی در فرد منجر می‌شود (هیگینز، 1987). با مطالعه نظریه‌های ارضای نیاز و هدف نتیجه‌گیری می‌شود که کاهش تنش و رضایت بیولوژیک و نیازهای روان‌شناختی و اهداف، دلیل امیدواری به آینده خواهند بود.

فردریکسون<sup>۴</sup> اذعان می‌دارد که هیجان‌های مثبت اعمال غیرمعمول‌ای را که در آنها بحثی از برد و باخت وجود ندارد افزایش می‌دهد. این نظریه را چنین بسط می‌دهد که تجارب و تأثیرات مثبت نه تنها باعث بهزیستی فرد می‌شود، بلکه به رشد و توسعه شخصیت وی نیز کمک می‌کند. بسیاری از هیجان‌های منفی مانند عصبانیت و اضطراب به تفکر و عمل آنی منجر می‌شود؛ اما هیجان‌های مثبت به گسترده شدن اعمال و تفکر آنی افراد منجر می‌شود. گسترش این منابع تفکر-عمل لحظه‌ای فرصت‌هایی را برای ساختن منابع شخصی پایدار فراهم می‌کند که در عوض پتانسیلی را برای رشد شخصیتی نه تغییر آن به وسیله ایجاد یک حالت فنی رو به بالا مثبت از هیجان، شناخت و عمل را موجب می‌شود. فرایند تئوری ساخت و گسترش در بالا نمایش داده شده است؛ برای مثال، لذت باعث به وجود آمدن اشتیاق می‌شود که در اجتماع فرد به قبول کار یا نقشی بپردازد. بنابراین، لذت از طریق بازی کردن می‌تواند شبکه‌های حمایت اجتماعی را استحکام بخشد و از طریق خلاقیت به تولید علم و هنر منجر می‌شود و یا اینکه فرد می‌تواند در حل مشکلات روزمره با خلاقیت بیشتری برخورد کند (کار<sup>۵</sup>، 2004: 13).

مشارکت اجتماعی به عنوان واقعیتی اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان داشته، فرایندی است که با گذشت

برای نیازها در نظر گرفته، «نیاز به خودشکوفایی» را در بالاترین مرتبه قرار می‌دهد. به نظر او، افراد در مرحله خودشکوفایی، یک حس شادی توأم با آرامش را تجربه می‌کنند (شجاعی، 1386: 93). مازلو، نیازها را پدیداری انگیزشی-روانی تلقی می‌کند؛ ولی رفع این نیازها را مبتنی بر روابط و پیش شرط‌های اجتماعی می‌داند. از نظر مازلو، موقعیت‌ها و شرایط اجتماعی موجب برآورده شدن یا نشدن نیازها می‌شود و این به نوبه خود، موجب نگرش‌ها و رفتارهای خاصی در فرد می‌گردد. از این رو، می‌توان گفت که برآورده شدن یا نشدن نیازها، حلقه رابط فرد با ساختار اجتماعی است. مازلو در این باره می‌گوید: «نیازهای ابتدایی بشر فقط می‌تواند به دست سایر افراد بشر؛ یعنی جامعه و از طریق آنان ارضا گردد» (مازلو، 1381: 452).

نظریه مازلو در مورد نشاط و شادمانی را می‌توان از دو بعد مورد توجه قرار داد: از جهت متغیر وابسته و دیگری از جهت متغیرهای مستقل. از جهت متغیر وابسته تحقیق، نظریه مازلو می‌تواند در تعیین شاخص‌های مؤثر بر نشاط کمک مهمی بکند. این نیازها در هر مرحله‌ای زمانی تحقق می‌یابند که در مرحله قبل نیازها برآورده شده باشند. وی دید خوشبینانه‌ای نسبت به ماهیت انسان دارد. او معتقد است که انسان استعداد فطری برای امیدواری، شادمانی، مهربانی و محبت دارد. با این حال، این ویژگی‌ها باید توسط محیط و جامعه پرورش یابند. مازلو هدف و آرمان اصلی انسان را تقلا می‌داند (شولتز<sup>۱</sup>، 1369: 115). صاحب‌نظران نظریه ارضای نیاز و هدف بحث می‌کنند که افراد زمانی به شادمانی دست می‌یابند که به سوی موقعیت مورد نظرشان حرکت کنند و یا به هدف ارزشمندی برسند. دیگر محققان این ایده را گسترش دادند و درجه‌های مختلفی از دیگر استانداردهای مقایسه‌ای بالقوه را با هم یکی کردند. میکالوس اذعان می‌دارد که احساس شادمانی به درجات مختلفی از شاخص‌های مختلف، مانند اینکه شخص چه چیز

<sup>2</sup> Michalos

<sup>3</sup> Higgins

<sup>4</sup> Fredrickson

<sup>5</sup> Carr

<sup>1</sup> Schultz

یکدیگر یا در حالت دسته‌جمعی با گروه بیشتر حفظ می‌کنند (آبراهامز، 1369: 196).

ترنر در توضیح جهات اصلی نظریه انسجام اجتماعی دورکیم می‌نویسد: از دیدگاه دورکیم، سؤال انسجام یا همبستگی اجتماعی به چند مسأله مرتبط است:

1- چگونه افراد بر این احساس که تعلق بر یک جمع اجتماعی بزرگتری دارند، ساخته می‌شوند؟

2- چگونه تمایلات و خواسته‌های آنان به طریقی موجب مشارکت آنان در جمع می‌شود؟

3- چگونه فعالیت‌های افراد و دیگر واحدهای اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و مطابقت داده می‌شوند؟ (ترنر، 1370: 381)

پارسونز معتقد است هرگاه در موقعیت‌های اجتماعی کنش‌های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری و انسجام با دیگران می‌انجامد. سطح بالای انسجام زمانی است که کنش‌های افراد اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش‌ها، مسؤولیت و وفاداری در قبال دیگران و جامعه به حدّ اعلای خود می‌رسد.

به نظر پارسونز، گرچه کنشگر در چهارچوب نظام عمل می‌کند؛ اما عمل او جنبه ارادی و عقلانی دارد و دارای خلاقیت و اختیار و نیروی ارزشیابی است. در واقع، به نظر پارسونز دو نوع روش یا شیوه عمل در برابر فرد وجود دارد که یکی براساس انگیزه‌های شخصی استوار است و دیگری عملی که بر منافع اجتماعی متکی است. به اعتقاد او، در تحلیل نهایی، فرد همواره راهی را پیش می‌گیرد که منطبق با خواست نظام اجتماعی است. به عبارت دیگر، انگیزه‌های فردی با ارزش‌های موجود نظام اجتماعی انطباق می‌یابد و به همین دلایل نظام اجتماعی پایدار می‌ماند. درعین حال، کنش اجتماعی جنبه عقلانی دارد و افراد همواره تمامیت و هدفی را در رفتار خود دنبال می‌کنند (توسلی، 1389: 241).

یکی از راه‌های تحکیم روابط انسانی از طریق مشارکت میسر می‌گردد. جامعه‌ای که در آن، میزان مشارکت، همکاری و نوع دوستی بین افراد بالا باشد، در این جامعه افراد در عین

زمان دگرگون شده است. ایده مشارکت در مفهوم خود از مباحث مربوط به دموکراسی مایه می‌گیرد که خود دارای سابقه دیرینه‌ای است. در دوره جدید با توجه به نقشی که برای عاملیت انسانی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی قایل می‌شوند، مشارکت در اشکال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی روانی مورد توجه سیاستگذاران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است. یکی از مراکزی که به عنوان بستر و زمینه‌ساز رفتار مشارکتی شناخته می‌شود، شهر و زندگی شهری است (موسوی، 1385: 76).

مشارکت اجتماعی به کنش یا عمل مشارکتی گفته می‌شود که عامل با توجه به انتظارات افراد دیگر آن را انجام می‌دهد. چنین ویژگی ما را بر آن می‌دارد که فضای اجتماعی این عمل و مشارکت را مطالعه و بررسی کنیم. مشارکت به عنوان یک عمل از نظر فرد دارای دو جنبه است: نخست اینکه چه انگیزه‌هایی فرد را به انجام عمل ترغیب می‌نماید. به عبارت دیگر، چه نیت و انگیزه‌هایی (محرک‌ها) در افراد موجب می‌گردد تا آنها به طور فعال در امری مشارکت نمایند که فقدان چنین انگیزه‌هایی را می‌توان به عنوان مانع عمل مشارکت به حساب آورد؛ دوم اینکه فرد چقدر نسبت به عمل مورد مشارکت آگاهی دارد و چه میزان عدم آگاهی او نسبت به این عمل موجب خودداری او از شرکت در آن می‌گردد (بیرو، 1370: 258).

دورکیم، همبستگی را از نوع روابط عاطفی مثبت دانسته، از «حس همبستگی» نام می‌برد. به نظر دورکیم، نقش حقیقی تقسیم کار اجتماعی این است که میان دو یا چند نفر همبستگی ایجاد کند (دورکیم، 1369: 57). دورکیم، به نقش همبستگی اجتماعی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره نموده، معتقد است هر جا همبستگی اجتماعی نیرومند باشد، عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به هم خواهد بود و باعث تشدید تماس‌های آنان و بیشتر کردن فرصت‌های ارتباطشان با یکدیگر خواهد شد. به عبارت دیگر، هر چه افراد جامعه همبسته‌تر باشند، روابط گوناگون خود را با

- 1- شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی؛
  - 2- برانگیختن احساسات مردم و افزایش درک و توان شهروندی؛
  - 3- دخالت در فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرا و سهیم شدن عامه مردم در منافع (قاسمی، 1381: 25).
- به نظر لرنر<sup>2</sup>، جامعه جدید یک جامعه مشارکتی است و فراگرد نوسازی، حرکت از جامعه سنتی به جامعه مشارکت-جوست. به نظر وی، مشارکت در حوزه اقتصادی به فعالیت در بازار و افزایش درآمد، مشارکت سیاسی به شرکت در انتخابات، مشارکت فرهنگی به بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و مشارکت روانی به همدلی و تحرک روانی منجر می‌شود. در اندیشه لرنر بین متغیرهای شهرنشینی، تحصیلات، دسترسی به رسانه‌های گروهی و مشارکت ارتباط متقابل وجود دارد (لرنر، 1969: 86). لرنر، مشارکت را به عنوان یکی از متغیرهای مهم در توسعه و تجدد به حساب می‌آورد و معتقد است زمینه‌های انجام مشارکت عبارتند از: آمادگی ذهنی، شهرنشینی، تحصیلات و سنتی نبودن. به عبارت دیگر، لرنر معتقد است پتانسیل توسعه در جامعه‌ای به وجود خواهد آمد که مشارکت اجتماعی و سیاسی و وسایل ارتباط جمعی در حد نسبتاً بالایی در آن جامعه فراهم شده باشد (ازکیا، 1380: 94).
- لیپست<sup>3</sup> از دیگر نظریه‌پردازان نوسازی است که در مدل خود می‌کوشد براساس متغیرهای اجتماعی، پدیده مشارکت یا عدم مشارکت گروه‌های مختلف را در پویای اجتماعی تبیین کند. وی معتقد است در کلیه کشورها میزان مشارکت در فرایندهای اجتماعی در میان مردان، گروه‌های تحصیل کرده، متأهلان، شهرنشینان، افراد میانسال و نیز افراد دارای منزلت و همچنین، اعضای سازمان‌ها، احزاب، سندیکاها و شوراهای بیشتر است (ازکیا و غفاری، 1380: 52).
- هانتینگتون<sup>4</sup> معتقد است که توسعه و مشارکت نیازمند شکل‌گیری شخصیت و انسان نوگراست. از نظر وی انسان

انجام کارهای شخصی، در پیشبرد کارهای دیگر و انجام فعالیت‌های جمعی مشارکت دارند. این مشارکت‌جویی نوعی احساس رضایت و انرژی مثبت نسبت به خود و پیرامون در افراد ایجاد کرده و در نتیجه میزان نشاط و شادی را در سطح جامعه بالا می‌برد. شادی و خرسندی تک تک افراد جامعه در شبکه مبادلات بین نظام جامعه‌ای تحقق یافته، کم و کیف شادمانی افراد با احساس رضایت و خشنودی آنها از خود و پیرامون خود میسر می‌گردد (چلبی، 1388: 6).

در چارچوب نظام شخصیتی پارسونز، چهار بعد تعریف می‌شود: برون‌گرایی، نژادگرایی، بعد انسجامی و شناختی. این ابعاد در ارتباط با نظام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هستند. بر این اساس، ارتباط بین فرد و جامعه بر قرار می‌گردد و برای مثال، طبق خصلت برون‌گرایی، نوعی احساس مشارکت‌جویی به لحاظ عینی و ذهنی می‌تواند وجود داشته باشد و از طریق این خصلت، افراد می‌توانند تعامل با دیگران نوعی احساس مثبت پیدا کرده، در جامعه نیز این احساس مثبت را ایجاد نمایند و در این امر به نوبه خود زمینه‌ساز شادمانی افراد را در جامعه و در نتیجه پیدایش نشاط اجتماعی را فراهم می‌سازد (چلبی، 1388: 7).

اینگلهارت<sup>1</sup> که نوسازی اجتماعی و فرهنگی را در غرب مطالعه نموده است، افزایش مشارکت در کشورهای غربی را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی که تأکید کمتر بر نیازهای آنی طبیعی داشته و برحق ابراز نظر تأکید بیشتری می‌ورزند، تبیین کرده است. به نظر وی متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی در وظایف اجتماعی و سیاسی بر افزایش مشارکت تأثیر داشته‌اند (اینگلهارت، 1373).

اوکلی و مارسدن نیز از مشارکت اجتماعی سه تفسیر

ارائه داده‌اند:

<sup>2</sup> Lerner

<sup>3</sup> Lipset

<sup>4</sup> Hantington

<sup>1</sup> Ingelhart

هابرماس<sup>2</sup> نیز حوزه عمومی را یکی از مقوله‌های جهان مدرن؛ یعنی جامعه بورژوازی می‌داند. او استدلال می‌کند که حوزه عمومی اساساً شبکه‌ای از ارتباطات است که برای خلق و ایجاد فضای اجتماعی برای مبادله معانی بین افراد و گروه‌ها از کنش ارتباطی استفاده می‌کنند. حوزه عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند و یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک، نوید می‌دهد (هولاب<sup>3</sup>، 1378: 26).

مضمون اصلی در اکثر آثار هابرماس عبارت است از: مشارکت در تدوین و ارائه سیمایی روشن از یک «جامعه جهانی بهتر»؛ یعنی جامعه‌ای که در آن امکانات و تسهیلات بیشتری برای سعادتمندی، شادکامی، صلح و همبستگی همگان فراهم باشد. به طور کلی، منظور هابرماس براساس امکانات و تسهیلات وجود سازمان‌ها، انجمن‌ها و مجامع مدنی است؛ زیرا این گونه سازمان‌ها مهم‌ترین ابزار واسطه‌ای میان دولت و افراد جامعه هستند که به عنوان پتانسیل جامعه برای تحقق دموکراسی تلقی می‌شوند؛ زیرا دموکراسی منوط به مشارکت شهروندان است و مشارکت شهروندان نیز در قالب چنین انجمن‌هایی امکان‌پذیر است (رضایی، 1374: 62).

#### پیشینه تجربی تحقیق

در ادامه تحقیق حاضر به برخی از تحقیقات تجربی داخلی و خارجی که به نشاط، مشارکت و عوامل مرتبط با آنها پرداخته‌اند، اشاره می‌شود:

سنتی، همیشه توقع ساکن بودن، عدم تغییر در طبیعت و جامعه را دارد؛ ولی انسان نوین با نگرش‌ها و طرز تلقی‌های مختلفی روبه‌روست. او امکان هر تغییر و دگرگونی را قبول دارد و خود را با آنها وفق می‌دهد (هانتینگتون، 1370: 54). هانتینگتون، همچنین رابطه متغیرهای همبستگی گروهی، سطح تحصیلات، سن و میزان مشارکت در انواع انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی را بررسی کرده است. از دیدگاه هانتینگتون و نلسون، کسب منزلت‌های اجتماعی بالاتر، به نوبه خود در فرد احساس توانمندی و نگرش‌های معطوف به توانایی تأثیر گذاشتن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های اجتماعی و عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی یا امور سیاسی باشد. در این حالت، منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر اجتماعی و سیاسی، به عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی به حساب می‌آید. از نظر آنان، از میان متغیرهای منزلتی، سطح تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی و سیاسی فرد دارد.

آلموند و پاول<sup>1</sup> ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان در خصوص اثرهای پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد بیان می‌دارند. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که شهروندان تحصیل کرده، ثروتمند و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای بیشتر، احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت جویانه باشند. منابع و مهارت‌هایی که این گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند، می‌تواند آنها را به سهولت به مشارکت اجتماعی بکشاند. در نتیجه این بررسی‌ها شهروندان مرفه‌تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کمتر مرفه، در سیاست فعال‌تر هستند (آلموند و پاول، 1380: 142).

<sup>2</sup> Habermas

<sup>3</sup> Holub

<sup>1</sup> Almond & Verba



## جدول 1- خلاصه پیشنهاد تجربی تحقیق

نویسنده (نویسندگان)	نتایج پژوهش
عنبری و حقی (1393)	زنان متأهل با نشاط‌تر از زنان مجرد، همسر فوت کرده و مطلقه هستند. ارتقای پایگاه اقتصادی اجتماعی در افزایش میزان نشاط اجتماعی دخیل بوده و در تعیین نشاط اجتماعی شهرنشینان سهم عمده‌ای داشته است.
زارع شاه‌آبادی و همکاران (1391)	نشاط اجتماعی در بین زنان متفاوت بوده و وضع تأهل و سطح تحصیلات نیز بر میزان نشاط اجتماعی تأثیرگذار هستند.
اکبر پورینی و توکلی محمدی (1390)	مشارکت می‌تواند بر نشاط و شادی افراد تأثیرگذار باشد.
صفری (1389)	تفاوت افراد مجرد و متأهل، زنان و مردان و افراد با مذهب متفاوت در نمره شادکامی معنی‌دار نیست. همچنین، تفاوت میان افراد در رشته‌های مختلف تحصیلی در نمره شادکامی معنی‌دار نبود.
نشاطدوست و همکاران (1388)	بین شادکامی کارکنان و رضایت از زندگی، خوش‌بینی، رضایت از خانواده، ایمان قلبی به خدا، فعالیت‌های اجتماعی و هنری، ارتباط معنادار وجود دارد.
هزارجریبی و آستین‌فشان (1388)	نشاط اجتماعی در سطح متوسط ارزیابی شده. در مجموع سه متغیر امید به آینده، ارضای نیاز عاطفی و مقبولیت اجتماعی توانسته‌اند حدود نیمی از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کنند.
ربانی و همکاران (1386)	میزان شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان 56/23 بوده؛ به گونه‌ای که میانگین بعد احساسی شادی 59/37، میانگین بعد شناختی 53/88 و میانگین بعد اجتماعی آن 55/42 بوده است.
الیاسی (1385)	بین تعامل اجتماعی و سطح نشاط و شادابی ضریب همبستگی بالایی وجود دارد.
میرشاه‌جعفری و همکاران (1383)	میزان شادمانی در حد متوسط به پایین بوده و در دانشجویان متأهل بیشتر از دانشجویان مجرد است.
شارما و همکاران <sup>1</sup> (2010)	در کنار عوامل شخصیتی، عوامل اجتماعی نیز به طور مساوی در تعیین میزان شادکامی افراد نقش دارد.
هالر و هادلر <sup>2</sup> (2006)	نتایج تحقیق بر روی میزان شادمانی در 41 کشور در پیمایش ارزش‌های جهانی نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی در سطح خرد و مشارکت فرهنگی و اجتماعی در سطح گسترده بر شادمانی تأثیرگذار است (نورآذر 1389)
ادینگتون و شامن <sup>3</sup> (2004)	مردان و زنان از نظر شادی تفاوت کمی با هم داشتند، زنان جوان اندکی شادتر از مردان جوان بودند؛ ولی در مقایسه با مردان مسن شادمانی کمتری دارند. بخش عمده‌ای از ارتباط بین تحصیلات و شادمانی از همبستگی تحصیلات با موفقیت شغلی و درآمد ناشی می‌شود.
لارسون <sup>4</sup> (2000) و پترسون <sup>5</sup> (2000)	شادی و نشاط می‌تواند سلامت جسمانی و روانی را بهبود بخشد. افرادی که شاد هستند، احساس امنیت بیشتری داشته، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، دارای روحیه مشارکتی بیشتری بوده و نسبت به کسانی که با آنها زندگی می‌کنند، اظهار رضایت بیشتری می‌کنند.
آرگایل (2001)	میزان شادی در طول عمر نموداری U شکل دارد؛ به این معنی که از جوانی تا میانه دهه چهل زندگی، با افزایش سن میزان شادی فرد کاهش می‌یابد؛ ولی پس از آن، شروع به افزایش می‌کند و در افراد سالمند دوباره به اوج خود می‌رسد (غلامزاده، 1388: 105-106).
دینر و بیسواس <sup>6</sup> (2001)	همبستگی بالایی بین ثروت ملت‌ها و رضایت از زندگی افراد وجود دارد. همبستگی پایینی بین درآمد و بهزیستی ذهنی درون ملت‌ها وجود دارد. رشد اقتصادی بالا در کشورهای توسعه یافته، به افزایش رضایت از زندگی افراد منجر نشده است. در ملل در حال توسعه همبستگی بالایی بین درآمد و رضایت از زندگی افراد

1 Sharma

2 Haller &amp; Hadler

3 Eddington &amp; Shuman

4 Larson

5 Peterson

6 Diener &amp; Biswas

وجود دارد.

- پاتنام و همکاران (2000) افرادی که از نظر روابط اجتماعی مهارت بیشتری داشته و ارتباط بهتری با مردم دارند، از افرادی که از نظر مالی غنی‌تر؛ ولی روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، شادمان‌تر هستند (به نقل از میرشاه جعفری، 1381).
- آرگایل (1999) بین درآمد و شادمانی رابطه مثبتی وجود دارد؛ ولی این ارتباط در بین اقشار کم درآمد بیشتر است؛ یعنی درآمد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برآورده سازد، بر شادمانی تأثیر می‌گذارد. در حالی که درآمد بیش از حد نیاز، شادمانی و نشاط را افزایش نمی‌دهد (میرشاه جعفری، 1381).
- جورج<sup>1</sup> (1992) روابط بین درآمد و رفاه ذهنی اغلب قوی است؛ ولی در تحلیل چند متغیره، رابطه بین درآمد و رفاه ذهنی کمتر مشاهده می‌شود (به نقل از جعفری، 1383).
- کوپر<sup>2</sup> و همکاران (1992) فعالیت اجتماعی و گروهی با میزان نشاط رابطه مستقیمی دارد و هرچه فعالیت‌ها زیاد باشد، بر شادی و نشاط افراد افزوده می‌شود (به نقل از جعفری، 1383).
- میکالوس<sup>3</sup> (1991) رضایت از وضعیت مسکن بیشترین تأثیر را روی رضایت از زندگی در کل دارد، در حالی که رضایت از همسر و دوستان به بیشترین شکل بر شادکامی کلی تأثیر می‌گذارد (به نقل از اینگلهارت، 1373).
- اینگلهارت (1990) عدم تأثیر جنسیت در میزان نشاط و شادمانی مشارکت اجتماعی موجب افزایش سطح نشاط و عواطف مثبت می‌شود (به نقل از جعفری، 1383).
- فیلیس<sup>4</sup> (1967) فعالیت و مشارکت اجتماعی و موقعیت اجتماعی نسبت به عوامل محیطی تأثیر بیشتری بر شادمانی افراد دارد (جعفری، 1383).
- برادبرن و کاپلوویتز<sup>5</sup> (1965) با افزایش سن، میزان نشاط شروع به کاهش یافتن می‌کند. گروه‌های سنی مختلف از سطوح متفاوتی از نشاط برخوردارند. گروه بالای 55 سال دارای کمترین نشاط و در مقابل، گروه سنی زیر 30 سال دارای بیشترین مقدار نشاط هستند.

<sup>1</sup> George

<sup>2</sup> Cooper

<sup>3</sup> Michalos

<sup>4</sup> Philips

<sup>5</sup> Bradburn & Caplovits

<sup>6</sup> Gurin

پاسخگویی به نیازهای عمومی جامعه است. معنای خاص روحیه مشارکتی، متقاعد و درگیر شدن کنشگران در مشارکت در فعالیت‌ها و برنامه‌های درون سازمانی است (بلوردی و بلوردی، 1391: 60).

مشارکت عینی از طریق میزان عضویت انجمنی، در معنای عضویت دانشجویان در تشکل‌های دانشجویی عضویت در بسیج دانشجویی، انجمن اسلامی، گروه تئاتر، گروه‌های سمعی و بصری، کتابخانه، گروه‌ها و تیم‌های ورزشی و کانون‌های علمی فرهنگی فوق‌برنامه اندازه‌گیری شده است.

طبق مدل آیزن و فیش باین، برای تبیین رفتار، باید ابتدا آمادگی و یا گرایش به بروز رفتار یا انجام عمل توجه کرد؛ زیرا گرایش و آمادگی برای انجام رفتار، مقدم بر خود رفتار و عمل است. در بروز یک رفتار، قصد و نیت برای انجام آن رفتار نهفته است. نیت نیز تابع دو متغیر گرایش به رفتار و هنجار ذهنی است. بر این اساس مشارکت ذهنی به معنای درگیری ذهنی و عاطفی فرد نسبت به موقعیت‌های گروهی است که او را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی دیگران را یاری دهد. در تعریف عملیاتی مشارکت ذهنی، سؤال‌هایی در باره میزان گرایش به همکاری با انجمن‌های علمی، میزان علاقه به فعالیت در کارهای گروهی، علاقه به مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه، علاقه به مشارکت در تشکل‌های صنفی دانشجویی، علاقه و تمایل به فعالیت در جهت برپایی مراسم، جشن‌ها و همایش‌ها و ... مطرح شده است.

روحیه مشارکتی در قالب گویه‌هایی درباره (مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه دانشجویی، عضویت در تشکل‌های دانشجویی، داشتن روحیه کار گروهی و ...) اندازه‌گیری می‌شود.

#### روش‌شناسی

این تحقیق از نظر هدف، یک مطالعه کاربردی و از نظر زمان، مطالعه‌ای مقطعی و از نظر گردآوری داده‌ها یک بررسی

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی می‌توان به متغیر نشاط اجتماعی و مشارکت اجتماعی به عنوان متغیرهای مورد بررسی اشاره کرد.

#### تعاریف مفهومی و عملیاتی

**نشاط اجتماعی:** وینهون (1993) جامع‌ترین و در عین حال، عملیاتی‌ترین تعریف را از شادمانی ارائه کرده است. بر اساس این تعریف، شادمانی به درجه یا میزان قضاوت شخص درباره مطلوبیت کیفیت کل زندگی خود اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، شادمانی به این معناست که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (میرشاه جعفری، 1381: 51).

برای اندازه‌گیری نشاط روش‌های گوناگونی به کار برده شده است که از آن میان، پرسشنامه شادکامی آکسفورد جایگاه ویژه‌ای دارد و در چندین پژوهش به کار رفته است. این ابزار در سال 1990 توسط آرگایل و لو تهیه شده است. در این تحقیق نیز برای اندازه‌گیری میزان نشاط افراد از پرسشنامه شادکامی آکسفورد اقتباس شده است و نمره‌ای که فرد در این پرسشنامه گرفته، بیانگر میزان نشاط وی است.

#### مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی در برگزیده انواع

مختلف کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در سه سطح ذهنی و عینی و روحیه مشارکتی مطرح باشد: بعد ذهنی مشارکت، همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه‌ساز در فرد ایجاد می‌شود. بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند، همان پیوند عینی افراد است و روحیه مشارکت با توجه به تعریف آن، عبارت است از متقاعد به درگیر شدن همگان در مشارکت» (رحمان<sup>1</sup>، 1993). یعنی احساس نیاز آحاد جامعه به مشارکت و اهمیت و اولویت یافتن تلاش‌های جمعی در راستای

<sup>1</sup> Rahman

زیر است:

n: حجم نمونه

N: جامعه آماری = 10223 نفر

t=1/96: ضریب اطمینان 95%

d = 0/05: دقت احتمالی مطلوب

p = 0/5: نسبت صفت در جامعه: q = 1-p

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq} = 370/24$$

پیمایشی و از لحاظ روابط بین متغیرها، از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در تمامی رشته‌های تحصیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل در نیمسال اول تحصیلی 92-1391 است که تعداد دانشجویان آن طبق گزارش واحد آمار دانشگاه 10223 نفر برآورده شده است. از این تعداد 5549 نفر مرد و 4674 نفر زن هستند. در این تحقیق برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که به شرح

جدول 2- توزیع فراوانی حجم نمونه به تفکیک رشته‌های تحصیلی

عنوان دانشکده	مرد	زن	جامعه آماری	مرد	زن	حجم نمونه
علوم انسانی	2211	2142	4353	80	77	157
علوم پایه	410	718	1128	15	26	41
پزشکی	99	832	931	4	30	34
فنی و مهندسی	2294	560	2854	83	20	103
هنر	299	208	507	11	8	19
کشاورزی	236	214	450	8	8	16
کل	5549	4674	10223	201	169	370

برای توصیف متغیرهای کیفی از درصد و فراوانی و برای توصیف متغیرهای کمی از شاخص‌های پراکندگی و مرکزی از قبیل: میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تفاوت میانگین‌ها و همچنین، برای تبیین نشاط اجتماعی براساس متغیرهای پیش‌بین از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است.

سنجش پایایی سؤال‌های پرسشنامه با استفاده از آزمون آماری آلفای کرونباخ انجام شد تا با محاسبه این ضریب به پایایی درونی گویه‌ها پی برده شود. دامنه آلفای کرونباخ از صفر تا یک است که در این میان، هرچه میزان آلفا به یک نزدیکتر باشد نشان‌دهنده قابلیت اعتماد گویه‌ها برای سنجش مفهوم مورد نظر است.

شیوه نمونه‌گیری از نوع طبقه‌ای بوده است. به این منظور، با تهیه آمار تعداد دانشجویان هر دانشکده به تفکیک جنسیت سعی شد متناسب با حجم نمونه کلی تعداد پاسخگویان از هر دانشکده انتخاب شود و سپس پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی در اختیار دانشجویان هر دانشکده قرار گرفت.

تکنیک گردآوری اطلاعات مورد نیاز از نوع پرسشنامه است که بر مبنای چارچوب نظری تحقیق، مطالعات پیشین طراحی شده است. بخشی از پرسشنامه مربوط به متغیر نشاط اجتماعی با استفاده از تست استاندارد شادکامی آکسفورد و پرسشنامه مربوط به متغیر مشارکت اجتماعی به صورت محقق ساخته بوده است. پرسشنامه‌ها به صورت حضوری و با مراجعه به دانشجویان در هر دانشکده تکمیل شد. پرسشنامه‌ها دارای سؤال‌های باز و بسته بوده و بعد از پاسخ‌دهی توسط دانشجویان جمع‌آوری و پس از کدگذاری وارد رایانه شد.

جدول 3- جدول نتایج پایایی متغیرهای مورد مطالعه در تحقیق

متغیرها	ابعاد	تعداد گویه	$\alpha$	KMO	واریانس تبیین شده	$\alpha$ و KMO
مشارکت اجتماعی	روحیه مشارکتی	5	0/78	0/85	44/81	0/90
	مشارکت ذهنی	9	0/81	0/78	64/53	0/90
	مشارکت عینی	13	0/89	0/90	58/40	0/90
نشاط اجتماعی	رضایت از زندگی	6	0/91	0/94	58/99	0/93
	رضایت از خود	6	0/78	0/80	53/64	0/93
	حرمت نفس	6	0/79	0/82	55/24	0/93
	انرژی مثبت	5	0/71	0/62	63/69	0/93
	خلق مثبت	6	0/67	0/65	60/54	0/93

در این پژوهش نشاط اجتماعی در پنج بعد (رضایت از زندگی، رضایت از خود، حرمت نفس، انرژی مثبت و خلق مثبت) و به طور کلی، با 29 گویه در مقیاس طیف لیکرت سنجیده شده است. مشارکت ذهنی با 9 گویه، روحیه مشارکتی با 5 گویه و در نهایت، مشارکت عینی با 13 گویه در قالب طیف لیکرت شش گزینه‌ای اندازه‌گیری شده است.

در این پژوهش نشاط اجتماعی در پنج بعد (رضایت از زندگی، رضایت از خود، حرمت نفس، انرژی مثبت و خلق مثبت) و به طور کلی، با 29 گویه در مقیاس طیف لیکرت سنجیده شده است. مشارکت ذهنی با 9 گویه، روحیه مشارکتی با 5 گویه و در نهایت، مشارکت عینی با 13 گویه در قالب طیف لیکرت شش گزینه‌ای اندازه‌گیری شده است.

#### یافته‌های تحقیق

#### الف) یافته‌های توصیفی

در بررسی نمونه مورد مطالعه (370 نفر)، 169 نفر (45/7 درصد) از دانشجویان مورد مطالعه زن و 201 نفر (54/3 درصد) مرد بوده‌اند. 327 نفر (89/3 درصد) از دانشجویان مورد مطالعه مجرد و 39 نفر (10/7 درصد) متأهل بوده‌اند. از کل نمونه آماری مورد مطالعه (370 نفر)، 103 نفر (27/8

در بررسی نمونه مورد مطالعه (370 نفر)، 169 نفر (45/7 درصد) از دانشجویان مورد مطالعه زن و 201 نفر (54/3 درصد) مرد بوده‌اند. 327 نفر (89/3 درصد) از دانشجویان مورد مطالعه مجرد و 39 نفر (10/7 درصد) متأهل بوده‌اند. از کل نمونه آماری مورد مطالعه (370 نفر)، 103 نفر (27/8

جدول 4- جدول توزیع پراکندگی میزان نشاط اجتماعی و ابعاد آن در بین دانشجویان

متغیرها	میانگین	حداقل و حداکثر	کم	نسبتاً کم	نسبتاً زیاد	زیاد	وضعیت متغیر
نشاط اجتماعی	95/34	29-145	4	29/1	52/6	14/3	نسبتاً زیاد
رضایت از زندگی	39/36	13-65	14/6	23/3	41/5	11/6	نسبتاً کم
رضایت از خود	17/85	5-25	3/7	20/4	53/7	22/2	نسبتاً زیاد
حرمت نفس	17/50	5-25	6/1	21/7	48/1	24/1	نسبتاً زیاد
انرژی مثبت	9/81	3-15	8/2	36/5	43/7	11/6	نسبتاً زیاد
خلق مثبت	10/80	3-15	7/1	24/3	39/2	29/4	نسبتاً زیاد

اجتماعی، بعد رضایت از زندگی در حد نسبتاً کم و بقیه ابعاد در حد نسبتاً زیاد هستند. همچنین، در بین ابعاد نشاط، میزان رضایت از خود و حرمت نفس پاسخگویان در مقایسه با ابعاد دیگر، در حد بالاتری است.

بر اساس اطلاعات جدول (3) ملاحظه می‌شود که متوسط میزان نشاط اجتماعی دانشجویان برابر 95/34 محاسبه شده که با توجه به حداقل نمره 29 و حداکثر نمره 145، در مجموع می‌توان گفت میزان نشاط اجتماعی دانشجویان در حد متوسط به بالا بوده است. در بین ابعاد پنج گانه نشاط

جدول 5- جدول توزیع پراکندگی مشارکت اجتماعی و ابعاد آن در بین دانشجویان

متغیرها	میانگین	حداقل و حداکثر	کم	نسبتاً کم	نسبتاً زیاد	زیاد	وضعیت متغیر
مشارکت اجتماعی	36/39	12-72	50/5	29/1	18/8	1/6	نسبتاً کم
روحیه مشارکتی	34/87	7-42	1	16/9	56/1	25/9	نسبتاً زیاد
مشارکت ذهنی	16/91	4-24	16/4	26/2	33/3	24/1	نسبتاً زیاد
مشارکت عینی	35/54	12-72	50/5	29/1	18/8	1/6	نسبتاً کم

را نشان می‌دهد.

به منظور انتخاب آزمون‌های آماری مناسب برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده لازم است تا نوع توزیع سازه‌ها به لحاظ نرمال بودن پراکندگی آنان ارزیابی شود که در این مورد از آزمون اسمیرنوف کولموگروف استفاده شد که سطح معنی‌داری آزمون فوق در مورد هر دو سازه از 0/05 بزرگتر است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع پراکندگی نمره‌های سازه‌ها نرمال است و آزمون‌های پارامتری استفاده شده مناسب بوده‌اند.

بر طبق نتایج مندرج در جدول (4)، میزان میانگین مشارکت اجتماعی دانشجویان برابر با 36/39 با توجه به حداقل نمره 12 و حداکثر نمره 72 نسبتاً کم بوده و توزیع فراوانی داده‌ها مربوط به مشارکت اجتماعی نشان‌دهنده این است که بیش از نیمی از پاسخگویان از مشارکت اجتماعی کمتری برخوردارند. در بین ابعاد مشارکت اجتماعی، بعد روحیه مشارکتی و مشارکت ذهنی در حد نسبتاً بالا و در مقابل مشارکت عینی در حد نسبتاً پایینی هستند. توزیع فراوانی داده‌ها مربوط به هریک از ابعاد به خوبی این موضوع

جدول 6- جدول نتایج آزمون اسمیرنوف کولموگروف

سازه‌ها	تعداد	میانگین	آزمون	سطح معنی‌داری
نشاط اجتماعی	370	95/34	0/737	0/649
مشارکت اجتماعی	370	36/39	0/761	0/609

### ب) تحلیل استنباطی

در تحلیل دو متغیره بر اساس سطح سنجش متغیرهای مستقل (مشارکت اجتماعی) و وابسته (نشاط اجتماعی) از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد بین مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه متوسط به پایینی برقرار بوده، این ارتباط در سطح 5 درصد

معنادار است. در بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با ابعاد پنجگانه نشاط اجتماعی، حرمت نفس و مشارکت دارای بیشترین و رضایت از خود و مشارکت دارای کمترین ارتباط معنادار با هم هستند.

در بررسی تأثیر هریک از ابعاد مشارکت اجتماعی بر نشاط اجتماعی و ابعاد آن می‌توان نتیجه گرفت که:

بعد نشاط؛ یعنی رضایت از خود، خلق مثبت و انرژی مثبت دارای ارتباط معنادار و ضعیف بوده و ارتباط آن با دو بعد دیگر نشاط اجتماعی معنادار نبوده است.

- رابطه مشارکت عینی با نشاط اجتماعی و همه ابعاد آن معنادار بوده؛ ولی این روابط در حد متوسط به پایینی است.

- روحیه مشارکتی رابطه متوسطی با نشاط اجتماعی داشته و رابطه آن با همه ابعاد نشاط اجتماعی معنادار بوده است. در این میان روحیه مشارکتی بر خلق مثبت تأثیر بیشتری داشته است.

- مشارکت ذهنی دارای ارتباط معنادار؛ ولی ضعیفی با نشاط اجتماعی است و از بین ابعاد پنجگانه نشاط اجتماعی با سه

جدول 7- همبستگی بین میزان مشارکت اجتماعی و ابعاد آن با نشاط اجتماعی

متغیرها	نشاط اجتماعی	رضایت از زندگی	رضایت از خود	حرمت نفس	خلق مثبت	انرژی مثبت
مشارکت اجتماعی	0/310	0/223	0/257	0/267	0/299	0/296
روحیه مشارکتی	0/108	0/230	0/300	0/221	0/385	0/294
مشارکت ذهنی	0/365	-	0/111	-	0/242	0/231
مشارکت عینی	0/248	0/141	0/118	0/234	0/178	0/223
	0/000	0/006	0/022	0/000	0/001	0/000
	0/000	0/000	0/000	0/000	0/000	0/000
	0/016	-	0/031	-	0/006	0/011
	0/000	0/006	0/022	0/000	0/001	0/000

میزان مشارکت و ابعاد مختلف آن مشاهده نمی‌شود.

در ادامه پژوهش، معناداری و یا عدم معناداری تفاوت در میزان نشاط اجتماعی و ابعاد مختلف آن در بین دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف از طریق آزمون آنالیز واریانس به اجرا گذاشته شد. نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد که بین رشته‌های تحصیلی در میزان نشاط اجتماعی تفاوت وجود داشته و این تفاوت در سطح خطای 5 درصد معنادار است؛ ولی نتایج آزمون، وجود تفاوت در بین رشته‌های تحصیلی مختلف در میزان مشارکت را تأیید نمی‌کند.

در ادامه تحلیل دو متغیره به بررسی ارتباط بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، وضع تأهل و رشته تحصیلی) با متغیر وابسته (نشاط اجتماعی) پرداخته شده است. نتایج بررسی معناداری یا عدم معناداری روابط در جدول (7) ارائه شده است. بر طبق مندرجات جدول زیر، می‌توان گفت هرچه میزان سن افراد بالا می‌رود، بر میزان احساس نشاط در بین آنها افزوده می‌شود. بعلاوه، افزایش سن بر احترام به خود و مثبت بودن خلیات آنان تأثیر می‌گذارد. در مقابل، بررسی رابطه سن با میزان مشارکت و ابعاد آن تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد و می‌توان گفت با بالارفتن سن تفاوتی در

جدول 8- جدول نتایج آزمون آنالیز واریانس بین متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	نشاط اجتماعی	حرمت نفس	خلق مثبت
سن	r=0/120 Sig=0/04	r=0/129 Sig=0/01	r=0/112 Sig=0/03
رشته تحصیلی	F=2/969 Sig=0/02	F=3/362 Sig=0/01	F=2/688 Sig=0/03
			انرژی مثبت
			F=3/180 Sig=0/01

دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف معنادار بوده، در دو بعد دیگر نشاط اجتماعی تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

همچنین، از بین ابعاد پنجگانه نشاط اجتماعی، تفاوت در بعد رضایت از زندگی، حرمت نفس و انرژی مثبت در بین

جدول 9- جدول میزان میانگین مشارکت و نشاط اجتماعی بر حسب تفاوت در رشته‌های تحصیلی دانشجویان

متغیرها	مشارکت اجتماعی	نشاط اجتماعی	رضایت از زندگی	حرمت نفس	انرژی مثبت
فنی مهندسی	34/98	89/61	35/84	16/74	9/23
علوم انسانی	35/32	98/09	40/60	18/20	10/20
علوم پایه	34/17	95/73	41/23	16/67	9/21
علوم پزشکی	37/04	96/85	40/21	17/47	9/97
علوم کشاورزی	35/26	94/33	38/86	17/86	9/60
هنر	35/28	95/10	39/22	17/49	9/75

با نگاهی اجمالی به جدول (9) که میانگین متغیرهای تحقیق را به تفکیک رشته‌های تحصیلی در بین دانشجویان نشان می‌دهد، می‌توان گفت در بین رشته‌های تحصیلی مختلف، دانشجویان رشته‌های فنی- مهندسی از مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی کمتری نسبت به سایر رشته‌های تحصیلی برخوردار بوده و در ابعاد نشاط اجتماعی نیز نمره کمتری را به خود اختصاص می‌دهند. در مقابل، دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و علوم پزشکی از مشارکت و نشاط اجتماعی بالایی برخوردارند.

از آنجا که متغیر نشاط اجتماعی در مقیاس فاصله‌ای و جنسیت دانشجویان به صورت اسمی دو حالتی سنجیده است، لذا برای آزمون معناداری و عدم معناداری تفاوت در میزان نشاط اجتماعی در بین دختران و پسران از آزمون تفاوت میانگین‌ها (T-Test) استفاده شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در میزان نشاط اجتماعی بین دختران و پسران دانشجویان وجود ندارد؛ زیرا سطح معنی‌داری آزمون برابر 0/075 است که نشان‌دهنده عدم تفاوت در

میانگین نشاط اجتماعی دانشجویان دختر و پسر است. مقایسه میزان نشاط اجتماعی دانشجویان براساس وضعیت تأهل آنان از طریق آزمون تفاوت میانگین مستقل T-Test نیز نشان داد که هیچ گونه تفاوت معناداری بین نشاط اجتماعی و وضعیت تأهل دانشجویان وجود ندارد؛ زیرا سطح معنی‌داری آزمون برابر 0/571 بوده و نشان‌دهنده عدم تفاوت در میانگین نشاط اجتماعی و وضعیت تأهل دانشجویان است. به منظور تبیین نشاط اجتماعی دانشجویان براساس ابعاد سه‌گانه مشارکت اجتماعی از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. طبق نتایج تحلیل رگرسیونی در مجموع سه متغیر پیش‌بین وجود دارند که ضریب همبستگی چندگانه آنها با میزان نشاط اجتماعی دانشجویان برابر  $R=0/417$  و ضریب تبیین برابر  $R^2=0/174$  است. مقدار به‌دست آمده از این ضریب بیانگر آن است که حدود 17 درصد از واریانس نشاط اجتماعی توسط متغیرهای پیش‌بین موجود در معادله رگرسیونی تبیین می‌گردد.

جدول 10- جدول نتایج ضریب همبستگی چندگانه

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	اشتباه معیار برآورد
0/417	0/174	15/43



جدول 11- ضرایب متغیرهای پیش‌بین باقیمانده در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

Sig	T	ضرایب استاندارد		ضرایب خام		متغیرها
		Beta	Std.Error	B		
0/000	7/740	-	6/716	51/983		مقدار ثابت
0/000	6/523	0/319	0/191	1/243		روحیه مشارکتی
0/000	6/462	-	6/946	44/887		مقدار ثابت
0/000	6/134	0/298	0/189	1/162		روحیه مشارکتی
0/000	3/397	0/165	0/082	0/279		مشارکت عینی

می‌توانند با مردم رابطه برقرار کنند، نسبت به افرادی که از نظر مالی غنی‌تر؛ ولی روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، با نشاط‌تر هستند.

یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهند که نشاط اجتماعی دانشجویان در حد متوسط به بالا و مشارکت اجتماعی آنها در حد متوسط به پایین است. همچنین، در بین ابعاد مشارکت روحیه مشارکتی و مشارکت ذهنی در حد نسبتاً بالا؛ ولی مشارکت عینی متوسط به پایین بوده است. در ابعاد نشاط اجتماعی نیز به جز رضایت از زندگی در بقیه ابعاد نشاط اجتماعی نمره دانشجویان در حد متوسط به بالا بوده است.

تحقیق حاضر بر تأثیرگذاری مشارکت اجتماعی بر نشاط اجتماعی صحنه می‌گذارد و گویای آن است که در بین ابعاد سه‌گانه مشارکت، روحیه مشارکتی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در افزایش میزان نشاط اجتماعی در بین دانشجویان داشته است.

نتایج تحقیق حاضر نظریه‌های مطرح شده درباره ارتباط بین مشارکت و نشاط را تأیید می‌کند و همچنین، مطابق با نتایج تحقیقات تجربی داخلی مانند اکبرپور بنی و همکاران (1390)، الیاسی (1385) و نشاط‌دوست و همکاران (1388) و تحقیقات خارجی مانند تحقیق هالر و هادلر (2006) بر ارتباط و تأثیر متقابل بین مشارکت و نشاط صحنه می‌گذارد. در تحقیق حاضر همانند تحقیق هزارجریبی و آستین‌فشان (1389) میزان نشاط اجتماعی در حد متوسط ارزیابی شده است. در عین حال، همراستا با نتایج تحقیق

در روش تحلیل رگرسیونی چندگانه به شیوه گام به گام، در گام اول متغیر روحیه مشارکتی و در گام دوم متغیر مشارکت عینی وارد معادله رگرسیونی شده و رابطه آنها با متغیر نشاط اجتماعی به عنوان متغیر وابسته بررسی شد. از بین ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی متغیر مشارکت ذهنی از معادله خارج و مشخص گردید که این بعد از مشارکت اجتماعی، تأثیر معنی‌داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته به عهده نداشته است. در مقایسه بین این دو بعد مشارکت، بعد روحیه مشارکتی با مقدار بتا برابر با 0/298 بیشترین تأثیر را بر میزان نشاط اجتماعی دانشجویان داشته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

یکی از موضوع‌های مهمی که در دنیای امروز توجه بسیاری را به خود جلب کرده، بحث بهزیستی ذهنی و سرزندگی است. احساس سرزندگی با شادکامی ارتباط نزدیکی دارد. هدف تحقیق، بررسی ارتباط بین مشارکت اجتماعی بر میزان نشاط اجتماعی در بین دانشجویان بوده است. برخی از صاحب‌نظران معتقدند نشاط با مفاهیم شادمانی، شادی، رضایت از زندگی و بهزیستی مترادف است. آرگایل بر این باور است که روابط اجتماعی تأثیر بسیار زیادی بر نشاط اجتماعی افراد دارد. دورکیم هم در نظریات خود، حضور افراد در انجمن‌های داوطلبانه را منبع رضایت خاطر آنها می‌داند. مشارکت اجتماعی بر میزان نشاط افراد جامعه اثر می‌گذارد. افرادی که از نظر روابط اجتماعی مهارت بیشتر دارند و بهتر

نشان داده و در بعد جمعی؛ یعنی رضایت از زندگی، نمره پایینی دارند. این نتیجه همراستا با بحثی است که لیوومیرسکی و همکارانش (2005) مطرح می‌سازند؛ مبنی بر اینکه بخشی از نشاط مربوط به فعالیت‌های اجتماعی آگاهانه است و این تلاش‌ها زندگی افراد را معنادار ساخته، رضایت آنها از زندگی‌شان را سبب می‌شود.

این نتیجه‌گیری به خوبی نشان می‌دهد که روحیه تعاملی و مشارکت‌جویی در بین افراد، احساس مسؤولیت‌پذیری نسبت به اطرافیان و محیط را در افراد بالا برده، با ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود (بعد رضایت از خود در نشاط اجتماعی) و احساس تأثیرگذاری بر پیرامون احساس سرزندگی و نشاط را در بین افراد جامعه افزایش می‌دهد. میزان نشاط در بین دانشجویان در حد متوسط و یا متوسط به بالا ارزیابی می‌شود؛ ولی در حوزه مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان به لحاظ عینی مشارکتی از خود نشان نمی‌دهند، در حالی که به لحاظ روحیه مشارکتی و نیز مشارکت ذهنی نمره بالایی را کسب می‌کنند؛ یعنی افراد نشاط خود را از رهگذر مشارکت اجتماعی عینی تأمین نمی‌کنند و همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، فقط 17 درصد از تغییرات نشاط اجتماعی توسط مشارکت اجتماعی تبیین می‌گردد. این زنگ خطری است برای سیاست‌گذاران و دولتمردان که متوجه باشند با کاهش میزان فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه و تعامل بین افراد، مؤلفه‌های دیگری، مانند: انفعال و بی‌تفاوتی و عدم همبستگی و انسجام در جامعه افزایش یافته و آسیب‌های دیگری را موجب خواهد شد.

بر این اساس، لازم است مسئولان و متولیان امور با توجه به نتایج این گونه تحقیقات بکوشند با فراهم ساختن شرایط و بسترها برای بروز فعالیت‌های جمعی جوانان و استفاده از پتانسیل‌های موجود و حس مشارکت طلبی آنان، زمینه‌ها را برای گسترش هر چه بیشتر میزان نشاط و سرزندگی در جامعه و رشد و توسعه آن در سطح وسیع‌تر فراهم سازند.

صفری (1389) در خصوص عدم تفاوت بین رشته تحصیلی و وضع تأهل با نشاط اجتماعی و بر خلاف نتایج برخی از تحقیقات، مانند عنبری و حقی (1393) و زارع شاه‌آبادی و همکاران (1391) در خصوص ارتباط بین وضع تأهل با مشارکت و نشاط اجتماعی است. همان‌طور که اینگلهارت در تحقیق خود بر روی ارزش‌های مادی و فرامادی در کشورهای مختلف مطرح می‌سازد، تحقیق حاضر نیز بر عدم تفاوت معنادار بین دختران و پسران دانشجویان در مشارکت و نشاط اجتماعی تأکید می‌نماید؛ ولی همانند نتایج تحقیق ادینگتون و شامن (2004)، شادتر بودن دختران را نسبت به پسران مطرح می‌سازد. در این تحقیق، در بین ابعاد سه‌گانه مشارکت، روحیه مشارکتی تأثیر بیشتری بر نشاط اجتماعی داشته و این نتیجه هم‌راستا با نتایج تحقیقات لارسون (2000) و پترسون (2000) است؛ به این مضمون که افرادی که دارای روحیه مشارکتی بالایی هستند، شادتر بوده و احساس رضایت بیشتری دارند.

همان‌طور که نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد، در بین ابعاد مشارکت، بعد روحیه مشارکتی و مشارکت ذهنی تبیین‌کننده‌های نشاط اجتماعی هستند و در مقابل مشارکت عینی نمی‌تواند در تبیین میزان نشاط افراد نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. در این راستا به نظر می‌رسد همان‌طور که پارسونز مطرح می‌سازد، نوعی ناهماهنگی بین خرده‌نظام‌ها و ابعاد مختلف نظام شخصیتی سبب می‌شود که افراد به جای اینکه برون‌گرا بوده و در تعامل‌ها و فعالیت‌های اجتماعی با دیگران احساس مثبتی را تجربه کنند، با توجه به بالا بودن اعتماد درون‌گروهی و میزان بالای بی‌تفاوتی، احساس همبستگی کمتری با هم در جامعه دارند و این بحثی است که دورکیم مطرح می‌سازد. به عبارت دیگر، افراد از زاویه مشارکت عینی و فعالیت‌های جمعی داوطلبانه احساس همبستگی نمی‌کنند.

در تحقیق حاضر، نگاهی به ابعاد مختلف نشاط به خوبی نشان می‌دهد که افراد پاسخگو در ابعاد فردی سطح بالایی را

## منابع

- جعفری، ا.؛ عابدی، م. و لیاقت‌دار، م. (1383). «شادمانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان میزان و عوامل مؤثر بر آن»، طب و تزکیه، ش 3، صص 15-23.
- چلبی، م. (1388). *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- دورکیم، ا. (1369). *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر کتابسرای بابل.
- ربانی، ر.؛ ربانی، ع.؛ عابدی، م. و گنجی، م. (1386). «فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش 8، صص 41-78.
- رضایی، ع. (1374). «مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف توسعه»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش 110-109، صص 54-63.
- زارع شاه‌آبادی، ا.؛ ترکان، ر. و حیدری، م. (1391). «بررسی رابطه بین رضایت شغلی و نشاط اجتماعی در دبیران مقطع متوسطه شهر جیرفت»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، ش 4 (پیاپی 48)، زمستان، صص 165-188.
- شولتس، د. (1369). *روان‌شناسی کمال*، ترجمه: گیتی خوشدل، تهران: نشر نو.
- صفری، ش. (1389). «بررسی میزان شادکامی و ارتباط آن با متغیرهای جمعیت‌شناختی در بین دانشجویان»، *فصلنامه تازه‌های روان‌شناسی صنعتی، سازمانی، سال اول*، ش 2، صص 79-86.
- ظهور، ع. و فکری، ع. (1383). «وضعیت شادابی دانشجویان دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران»، *مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار*، سال یازدهم، ش 1، صص 46-54.
- ازکیا، م. و غفاری، غ. (1380). «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان»، *نامه علوم اجتماعی*، بهار و تابستان، ش 9 (پیاپی 17)، صص 3-31.
- اکبرپور بنی، م. و توکلی محمدی، م. (1390). «ارتباط اعتقادات مذهبی با شادی، نشاط و سلامت روانی کارمندان زن دانشگاه قم»، *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ش 1، صص 102-116.
- الیاسی، م. (1385). «عوامل مؤثر بر شادکامی دانشجویان بسیجی»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، سال نهم، ش 33، صص 15-34.
- اینگلهارت، ر. (1373). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه: مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- آبراهامز، ج. (1369). *مبانی رشد جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن پویان، جلد اول، تهران: انتشارات چاپخش.
- آلموند، ج. و پاول، ب. (1380). *مشارکت و حضور سیاسی شهروندان*، ترجمه: علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش 164، صص 136-147.
- بلوردی، ط. و بلوردی، ز. (1391). «بررسی روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه 7 کشور)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره سیزدهم، ش 3، صص 57-82.
- بیرو، آ. (1370). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- ترنر، ج. و دیگران. (1370). *پیدایش نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه: عبدالعلی لهسایی‌زاده، جلد اول، تهران: چاپ فرهنگ.
- توسلی، غ. (1389). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت، ویرایش دوم.

- عباس‌زاده، م.؛ عزیززاده‌اقدم، م.؛ کوهی، ک.؛ علیپور، پ. (1391). «انواع سرمایه‌ها، حلقه مفقوده در تبیین شادکامی دانشجویان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال سیزدهم، ش 51، صص 215-244.
- عزیززاده‌اقدم، م. (1390). *مطالعه جامعه‌شناختی، عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان دانشگاه تبریز و ارائه راهکارهایی افزایش آن*، طرح پژوهشی موجود معاونت پژوهشی دانشگاه تبریز.
- عنبری، م. (1391). *بررسی زمینه‌ها و راهکارهای نشاط اجتماعی در ایران*، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عنبری، م. و حق‌ی، س. (1393). «بررسی عوامل فردی اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان، مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلیجان»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و پنجم، شماره پیاپی (53)، شماره اول، بهار، صص 1-26.
- قاسمی، م. (1381). «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کاشان»، *روستا و توسعه*، سال هشتم، ش 4، صص 78-111.
- مازلو، آ. (1381). *زندگی در اینجا و اکنون: هنر زندگی متعالی*، ترجمه: مهین میلانی، تهران: نشر فرا روان.
- موسوی، م. (1385). «مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، ش 23، صص 67-92.
- میرشاه‌جعفری، ا.؛ عابدی، م. و دریکوندی، ه. (1381). «شادمانی و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، ش 3، صص 50-58.
- میرشاه‌جعفری، ا.؛ عابدی، م. و لیاقتدار، م. (1383). *بررسی میزان شادمانی دانشجویان دانشگاه اصفهان و عوامل همبسته با آن*، طرح پژوهشی دانشگاه اصفهان.
- نشاط‌دوست، ح.؛ کلانتری، م.؛ مهربابی، ح.؛ پالاهنگ، ح.؛ نوری، ن. و سلطانی، ا. (1388). «تعیین عوامل مؤثر بر شادکامی کارکنان شرکت فولاد مبارکه»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، ش 1 (پیاپی 33)، بهار، صص 105-118.
- هانتینگتون، سد (1370). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگون*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- هزارجریبی، ج. و آستین فشان، پ. (1388). «بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی استان مرکزی)»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال دوم، ش 3، صص 31-72.
- هولاب، ر. (1378). *نقد در حوزه عمومی*، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- Argyle, M. & Lu, L. (1990) "The Happiness of Extroverts", *Personality and Individual Differences*, Vol. 11, p 1011-1017.
- Bradburn, N. & Caplovits, D. (1965) *Reportes on Happiness*. Chicago: Aldine.
- Carr, A. (2004) *Positive Psychology*, Hove and New York: Brunner – Routledge.
- Diener, E. (2005) "Most People Are Pretty Happy, But There Is Cultural Variation: The Inughuit, the Amish, and the Maasai", *Journal of Happiness Studies*, Vol. 6, p 205-226.
- Diener, E. Biswas-Diener, R. (2001) "Income and Subjective Well-being: Will Money Make us happy?", *Social Indicators Research*. No. 57, p 119-169.
- Diener, E. Nickerson, C. Lucas, R.E. & Sandvik, E. (2000) *The Direction of Influence between Income and Subjective Well-being*, Urbana-Champaign: Illinois.
- Diener, E. Suh, E.M. Lucas, R.E. and Smith, H.E. (1999) "Subjective Well-being : Three Decades of Progress", *Psychological Bulletin*, Vol. 125, p 276 – 302.
- Eddington, N. & Shuman, R. (2004) *Subjective Well-being*. Presented by Continuity Psychology Education.
- Friedenberg, E. (1983) *Coming of Age in America*, New York: Pantheon Books.
- Haller, M. & Hadler, M. (2006) "How Social Relations and Structures Can Produce Happiness and

- being, New York: Springer.
- Montiers, J. (2004) "Global Equity Strategy: If It Makr you Happy". *The Psychology of the Happiness*, p 1-8.
- Myers, D. & Diener, L. (1996) "The Pursuit of Happiness", *Scientific America*, No. 274, p 56.
- Peterson, C. (2000) "The Future of Optimism". *American Psychologist*, No. 55(1), p 44-55.
- Rahman, M. (1993) *People's Self- Development: Perspectives on Participatory Action Research: A Journey Through Experience*, London: Zed Books
- Seligman, M. (2002) *Authentic Happiness: Using the New Positive Psycholgh to Realize Your Potential for Lasting Fulfillment*. New York: Free Press.
- Sharma, A. Verma, S. Verma, C. & Malhotra, D. (2010) "Stress and Burn out as Predictors of Job Satisfaction among Lawyers". *European Journal of Social Sciences*, No. 14 (3), p 348-359.
- Veenhoven, R. (1993) *Happiness as an Indicator in Social Policy Evaluation*. Essayes on Social Policy Research. Mark vanderval.
- Unhappiness: International Comparative Analysis". *Social Indicators Research*, No. 75(2), p 169-216.
- Gourin, G. Veroff, J. & Feld, S. (1960) *American's View on Their Mental Health*. New York: Basic Books.
- Halpern, D. (2005) *Social Capital*: Polity Press.
- Higgins, E.T. (1987) "Seif-Discrepancy: A Theory Relating Self and Affect", *Psychological Review*. Vol. 94, No.3, p 319-340.
- Inglehart, R. (1990) *Cultural Shift in Advanced Industerial Society*, Princeton, NJ: Prenceton University.
- Kawachi, I. Subramanian, V. Kim, D. (2008) *Social Capital and Health*, New York: Springer.
- Larson, R.W. (2000) "Toward a Psychology of Positive Youth Development". *American Psychologist*, Vol. 55. (1), p 170-183.
- Lerner, D. (1964) *The Passing Traditional Society*, New York: The McMillan Com.
- Lyubomirsky, S. Sheldon, M.K. & Schkade, D. (2005) "Pursuing Happiness: The Architecture of Sustainable Change". *Review of General Psychology*, Vol. 9, No. 2, p 111-131.
- Michalos, A.C. (1991) *Global Report on Student Well-*